

بررسی و کندوکاوی بر معاونت در جرم و آدم ربایی در حقوق جزا

هومن محمدی^۱

^۱دانش آموخته حقوق (رشته جزا و جرم شناسی) - عضو انجمن علمی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

چکیده

در این مقاله، به بررسی و کندوکاوی بر معاونت در جرم و آدم ربایی در حقوق جزا پرداخته شده است. معاونت در جرم به معنای همکاری یا همراهی با فردی است که جرمی را انجام داده است. این مفهوم در حقوق جزا بسیار مهم است و در تعیین مجازات فرد متهم نقش مهمی دارد. در این مقاله، ابتدا به تعریف و توضیح مفهوم معاونت در جرم پرداخته شده است. سپس به بررسی معاونت در جرم و نقش آن در تعیین مجازات متهم پرداخته شده است. همچنین، به بررسی موارد و شرایطی که معاونت در جرم می‌تواند اثرگذار باشد، پرداخته شده است. در ادامه، به بررسی مفهوم آدم ربایی و نقش آن در حقوق جزا پرداخته شده است. آدم ربایی به معنای انتقال یا نقل و انتقال فردی است که به جرمی متهم است. در این قسمت، به بررسی انواع آدم ربایی و تأثیر آن در تعیین مجازات متهم پرداخته شده است. در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی برای بهبود قوانین و مقررات مربوط به معاونت در جرم و آدم ربایی در حقوق جزا ارائه شده است. این مقاله به دانشجویان و پژوهشگران حقوق جزا کمک می‌کند تا درک بهتری از این مفاهیم پیچیده داشته باشند و بهبودهای لازم را در قوانین مربوطه ارائه دهند.

واژه‌های کلیدی: معاونت جرم، آدم ربایی، حقوق جزا

مقدمه

معاونت در جرم به معنای همکاری و همراهی در ارتکاب یک جرم است. در این حالت، فرد معاون در جرم، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیت‌های جنایی شرکت می‌کند. این فرد ممکن است به عنوان همدست، همکار یا معاون جنایتکار اقدام کند. معاونت در جرم می‌تواند به صورت مختلف رخ دهد، از جمله:

۱. **ارائه کمک و پشتیبانی:** فرد معاون در جرم ممکن است به جنایتکاران کمک و پشتیبانی کند، مانند فراهم کردن اطلاعات، ابزارها یا منابع مالی برای ارتکاب جرم.

۲. **مشارکت فعال:** فرد معاون در جرم ممکن است به صورت فعال در ارتکاب جرم شرکت کند، مانند انجام عملیات جنایی، سهم داشتن در برنامه‌ریزی و اجرای جرم و یا مشارکت در ارتکاب جرم به صورت مستقیم.

۳. **پنهان کردن اطلاعات:** فرد معاون در جرم ممکن است سعی کند اطلاعات مربوط به جرم را پنهان کند و از افشای آن جلوگیری کند، مانند از بین بردن شواهد، تغییر شهادت یا تهدید شاهدان.

معاونت در جرم یک عمل غیرقانونی است و ممکن است با پیگرد قانونی مواجه شود. در بسیاری از کشورها، قوانین و مقررات وجود دارد که معاونت در جرم را به عنوان یک جرم جدی محسوب می‌کنند و مجازات‌های سنگینی برای آن تعیین کرده‌اند. به طور کلی، معاونت در جرم یک عمل غیرقانونی است و همراهی در ارتکاب جرم را نشان می‌دهد. این عمل به طور جدی تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد و ممکن است با مجازات‌های سنگینی همراه باشد.

در میان فقها و حقوقدانان معاون در جرم به شخص یا اشخاصی اطلاق می‌شود که هرچند در عنصر مادی جرم نقش مستقیم ندارند ولی به هر طریق به تحقق جرم توسط مجرم کمک نموده‌اند (خاوری و دیگران، ۱۳۸۴). مصادیق این کمک تسهیل تشویق، اغوا، اغفال، حمایت، تحریک و... که سابق بر تحقق جرم است، می‌تواند باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳). عنصر مادی و معنوی معاونت به مباشرت متصل و گره خورده است؛ ولی این بدان معنا نیست که سرنوشت معاون نیز به مباشر اصلی جرم پیوند بخورد صدق عنوان معاونت منوط به تحقق جرم اصلی است؛ مگر آنکه خود معاونت مستقلاً. معاون از نظر استحقاق عفو عمومی، تابع مباشر است، ولی از نظر استحقاق عفو خصوصی مستقل از مباشر است نکته قابل توجه این است که گاهی معاون از مباشر به لحاظ عدوان و تعدی سبب اقوی می‌شود که ملاکی غیر از تأثیر مادی بر جرم بر آن حاکم است (صادقی، ۱۳۸۳). بنابراین صغیر، مجنون، مکره، مضطر و حتی مأموری را که ناگزیر از امر آمر باشد نمیتوان فاعل اصلی جرم تلقی کرد. جرم باشد شریک در جرم به شخص یا اشخاصی اطلاق میشود که با علم و قصد مجرمانه منجز و و هماهنگ مبادرت به مشارکت و همکاری در تحقق جرمی واحد می‌نمایند و در صورتی که عمل اصلی مجرمانه مستند به همه آنها، باشد، همگی فاعل و مباشر مستقل جرم تلقی میشوند، (نورپها ۱۳۹۱). این مشارکت می‌تواند با فعل یا ترک فعل همراه باشد (اردبیلی ۱۳۹۳).

طبق تبصره ۱ ماده ۴۳ ق. م. ا برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد بین مباشر و معاون جرم شرط است. این وحدت قصد معمولاً به این صورت تعبیر می‌شود که معاون به این دلیل معاونت میکند که مباشر، جرم مورد نظر را انجام دهد. به عبارت دیگر، قصد معاون به این صورت متجلی می‌شود که او با انجام معاونت می‌خواهد که مباشر، مرتکب جرم مورد نظر خود بشود. قبل از تشریح مفهوم وحدت قصد بین معاون و مباشر و به عبارت دیگر، قبل از بیان ایرادات وارد بر این نحوه بیان حکم توسط قانون‌گذار، لازم است اشارهای مختصر به عنصر معنوی بشود. وقتی صحبت از جرم می‌شود، با توجه به اصل عمدی بودن جرایم، جرم عمدی مدنظر است و نیازی به افزودن قید عمد به دنبال عبارت جرم نیست و بر عکس، هرگاه جرم غیر عمدی (در مواردی که قانون گذار حالت غیر عمد عمل را نیز جرم شناخته است) مدنظر باشد یا در موردی که مقنن اوصاف مختلف عمد، شبه عمد، در حکم عمد، غیر عمد قایل شده باشد باید به اوصاف مزبور تصریح شود تا خواننده متوجه منظور شود. هرچند به نظر برخی در جرایم غیر عمدی هم امکان تحقق معاونت در جرم وجود دارد. اساساً گفته می‌شود که معاونت در جرایم غیر عمدی متصور نیست، چون در جرایم غیر عمدی قصدی وجود ندارد که بتوان در آن وحدت قصد بین معاون و مباشر را تصور نمود. (ابراهیم پاد، ۱۳۵۲، ص ۲۳۳) و «معاونت در جرم با ارتکاب اعمال و افعال ایجابی یا مثبت واقع می‌شود. « (حسن مرادی، ۱۳۷۳، ص. ۵۶) بنابراین، نیازی به توضیح ندارد که در اینجا منظور از عنصر معنوی، عنصر معنوی در جرایم

عمدی است و نه جرایم غیرعمدی. عنصر معنوی میتواند مرکب از پنج جزء باشد و ممکن است در جرمی همه‌ی اجزا جمع باشند ولی غالباً جرم به سه جزء اولی تحقق پیدا میکند: علم به حکم، علم به موضوع، سوء نیت عام، سوء نیت خاص و انگیزه علم به حکم مفروض است و قاعده‌ی معروف «جهل به حکم مسموع نیست» دلالت بر این نکته دارد و اساساً جهل به حکم از کسی پذیرفته نیست مگر آنکه قانون‌گذار به این نکته تصریح کند، مثل موارد مذکور در مواد ۶۴، ۱۶۶ و بند ۶ ماده‌ی ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی و یا اینکه جهل به یک امر مدنی باشد که آن امر مدنی پایه‌ی یک حکم جزایی قرار گرفته باشد، مانند آنکه زنی به تصور آن که با دو طهر از عده خارج می‌شود در ایام عده با مردی ازدواج کند. در این حالت درواقع جهل به حکم مدنی به جهل به موضوع برگشت دارد. علم به حکم اساسی‌ترین جزء رکن معنوی جرم است. چون، اگر اراده را به خواست ارتکاب جرم تعبیر کنیم و بگوییم که خواستن باید آگاهانه و آزادانه باشد، انسان جاهل نمی‌تواند خواهان ارتکاب جرم باشد. لذا شرط اولی و اصلی خواستن علم به ممنوعیت است و بدون این علم، خواستنی که مدنظر حقوق کیفری باشد قابلیت تحقق ندارد. دومین جزء عنصر معنوی، علم به موضوع است. در اینجا نیز علم به موضوع با اراده‌ی ارتکاب جرم ارتباط پیدا میکند. انسان نمی‌تواند انجام کار ممنوعی را بخواهد مگر آنکه به موضوع ممنوعیت آگاه باشد. جهل به موضوع پایه‌ی اراده را متزلزل میکند. برخلاف نظر برخی که به طور مطلق اعتقاد به تاثیر جهل به موضوع در قالب اشتباه، به عنوان یکی از علل رافع مسئولیت کیفری دارند، به نظر می‌رسد باید تاثیر جهل به موضوع را در دو حالت متفاوت مورد بررسی قرار داد. توضیح آن که، اگر فقط حالت عمدی عمل جرم باشد در این صورت جهل به موضوع باعث از بین رفتن عنصر معنوی جرم می‌شود و با از بین رفتن عنصر معنوی و درواقع با از بین رفتن یکی از ارکان جرم، جرم تحقق پیدا نمیکند ولی اگر هم حالت عمدی عمل و هم حالت غیرعمدی آن جرم باشد جهل به موضوع باعث تبدیل جرم از عمد به غیر عمد می‌شود و در اینجا میتوان گفت که جهل به موضوع در مسئولیت کیفری مرتکب اثر می‌گذارد و مسئولیت وی را از عمد به غیر عمد تقلیل می‌دهد. سومین جزء عنصر معنوی، سوء نیت عام است. منظور از سونیت عام خواست نقض حکم مقنن است. خواست نقض حکم مقنن یا خواست ارتکاب جرم مستلزم علم به حکم و علم به موضوع است. یعنی شخص بعد از آگاهی به اینکه قانون عملی را جرم شناخته است (علم به حکم) و اینکه موضوع مورد نظر نیز همان است که حکم به آن تعلق گرفته است (علم به موضوع) بخواهد که عمل ممنوعه را مرتکب شود. چهارمین جزء، سوء نیت خاص است. سوء نیت خاص برای تحقق جرم در برخی از جرایم عمدی مقید لازم است و بدون آن جرم مورد نظر تحقق پیدا نمیکند، و غالباً مثل مورد قتل عمدی از ناحیه‌ی مقنن نسبت به آن تصریح می‌شود. این سوء نیت از لحاظ رتبی همیشه در طول سوء نیت عام است، هرچند وجود هر دو مقارن با انجام عمل مرتکب (عنصر مادی) ضروری است. یعنی هر کسی که سوء نیت خاص داشته باشد فرض بر آن است که سوء نیت عام نیز دارد ولی فرض عکس آن صحیح نیست. سوء نیت خاص میتواند به دو شکل تحقق یابد. در جرایمی که قانون‌گذار به لزوم وجود آن تصریح کرده لازم است که مرتکب آن را بخواهد مثل قتل ولی در مورد جرایم مقیدی که قانون‌گذار به لزوم وجود آن تصریح نکرده ولی از مقید بودن جرم، لزوم وجود آن استنباط می‌شود میتوان گفت که سوء نیت خاص در سوء نیت عام مستتر است مثل تخریب. انگیزه جزء پنجم عنصر معنوی است که اساساً در تحقق جرم تاثیری ندارد و استثنائاً با تصریح قانون‌گذار در تحقق جرم موثر شناخته می‌شود. مثل جرایم موضوع مواد ۱۸۳، ۶۹۸ و ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی. انگیزه اساساً در تشدید یا تخفیف مجازات موثر است منظور از انگیزه آن هدف نهایی است که شخص را بطرف ارتکاب جرم سوق می‌دهد. به تعداد مرتکبان جرایم ممکن است انگیزه وجود داشته باشد و هم چنین مرتکب میتواند انگیزه‌های متعددی برای ارتکاب جرم داشته باشد ولی سوء نیت در همه‌ی افرادی که مرتکب جرایم مشابه می‌شوند، یکسان است. به این اعتبار سوء نیت به علت و انگیزه به جهت در حقوقمدنی قابل تشبیه است. (علی آزمایش، تقریرات درس «عنصر معنوی جرم و مسئولیت کیفری» دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی). با روشن شدن مفهوم عنصر معنوی میتوان مفهوم وحدت قصد بین معاون و مباشر را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد. ولی به نظر می‌رسد، مقدم بر آن باید به نظریه‌ی عاریتی بودن عنوان مجرمانه‌ی معاونت که برخی معتقدند در حقوق ما مدنظر قانون‌گذار بوده، نیز اشاره‌ی مختصری بشود. به نظر برخی این فکر نباید تصور کرد که این نوع جهل از نوع شبهه حکمیه است، چون آنچه که موضوع شبهه است خروج از عده با دو طهر یا سه طهر است نه نفس

لزوم خروج از عده برای جواز ازدواج و رفع ممنوعیت و این امر با قاعده معروف جهل به حکم مسموع نیست نیز مبینتی ندارد. چون اساساً بحث ما به جهل به موضوع ارتباط دارد و نه جهل به حکمکه مرتکب اصلی و معاون هر دو مرتکب جرم واحد شده‌اند صحیح نیست. (عزیز الله ملک اسماعیلی، ۱۳۵۵). توضیح آنکه به اعتقاد غالب مولفین حقوقی ایران که دانش‌آموخته‌ی نظام حقوقی فرانسوی هستند یا کتاب حقوق کیفری را با اقتباس از تالیفات حقوق‌دانان فرانسوی نگاشته‌اند، معاونت در جرم عنوان مجرمانه‌ی مستقلی ندارد و معاون، مجرمیت خود را از مباشر به عاریت میگیرد. در مورد این نظریه باید گفت که در مقررات قانونی ایران معاون هر سه رکن تشکیل‌دهنده‌ی جرم را بالاستقلال دارا است و هیچ کدام از عناصر تشکیل‌دهنده جرم را از مباشر به عاریت نمیگیرد جز آنکه مجرمیت وی فرعی است. یعنی فرع بر مجرمیت مباشر است. به این اعتبار که اگر عمل مباشر جرم نباشد، عمل معاون نیز جرم نخواهد بود و اگر عمل مباشر جرم باشد، عمل معاون نیز جرم خواهد بود.

معمولاً گفته می‌شود که معاون عنصر قانونی و معنوی خود را از مباشر به عاریت میگیرد. با توجه به توضیحاتی که بیان گردید معلوم میگردد که از حیث عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم هیچ ارتباطی بین معاون و مباشر وجود ندارد و همانگونه که از مثال‌های مطروحه قابل استنباط است معاون هیچ‌چیزی را از مباشر به عاریت نمیگیرد و تمامی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم در مورد وی به طور مستقل تحقق پیدا می‌کنند. آنچه که معاون و مباشر را به هم مرتبط میکند تبعی و فرعی بودن جرم بودن عمل معاون است. یعنی عمل معاون در صورتی جرم است که عمل مباشر جرم باشد. در ارتباط با فرعی بودن جرم بودن عمل معاون سوالی که مطرح می‌شود آن است که آیا برای مجرم شناختن معاون لازم است حکم محکومیتی از طرف دادگاه صادر شود، یا دادگاه میتواند بدون آنکه مباشر را تعقیب یا محکوم کرده باشد، در مورد معاون اتخاذ تصمیم نماید. طبق ماده‌ی ۲۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری «چنانچه در پرونده‌ای متهمین متعدد بوده و یا معاون و شریک داشته باشند در صورتی که به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد دادگاه نسبت به متهمین حاضر پرونده را تفکیک و رسیدگی و تعیین تکلیف خواهد کرد و نسبت به غایبین، در مواردی که رسیدگی غیابی امکان داشته باشد رسیدگی غیابی به عمل خواهد آورد و در غیر این صورت پرونده را مفتوح نگه میدارد.» برای مثال، اگر متهمان حاضر معاون جرم و متهمان غایب مباشر یا شریک باشند آیا دادگاه میتواند در مورد معاونان حکم محکومیت صادر کند؟ حال اگر دادگاه چنین حکمی صادر کند بعد از تحمل مجازات توسط معاون، حکم براءت مباشر به علت جرم نبودن عمل یا عدم کفایت دلیل در اثبات اسناد صادر شود، تکلیف مجازات تحمیل شده به معاون چه خواهد بود؟ بنابراین مشکل فقط در مورد صدور حکم محکومیت برای معاون (و نه حکم براءت) است که حکم مزبور اجرا هم شده باشد و در سایر موارد و بخصوص حکم براءت مشکلی وجود ندارد. در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان صدور حکم محکومیت برای معاون قبل از اتخاذ تصمیم در مورد مباشر را فاقد اشکال می‌دانند. (حسن سمیعی، ۱۳۷۹) مبنای استدلال این دسته از حقوق‌دانان آن است که در این بخش اساس بحث بر این امر مبتنی است که آیا ملاک محکومیت و مجرمیت معاون «جرم بودن» عمل مباشر است یا «محکومیت مباشر به مناسبت آن عمل»؟ در بحث معاونت آنچه موجب مجرمیت و محکومیت معاون می‌شود همان «جرم بودن» عمل اصلی است. به همین علت اگر دلایلی باشد که مباشر را مبری سازد بدون آنکه اصل جرم بودن عمل را زیر سوال ببرد، این امر به معاون سرایت نمیکند و او مجرم شناخته می‌شود. بر همین اساس است که این سوال قابل طرح خواهد بود که آیا اثبات جرم بودن عمل اصلی با محاکمه کردن و محکوم کردن مباشر ملازمه دارد؟ یا به طور مستقل نیز قابل انجام است؟ تا بتوان تکلیف سرنوشت معاون را بدرستی روشن نمود. (عبدالحسین علی آبادی، ۱۳۶۷) برخی دیگر ایراد می‌کنند که مجاز شمردن دادگاه به صدور حکم محکومیت برای معاون و اجرای چنین حکمی، با قواعد کلی حاکم در رابطه‌ی بین معاون و مباشر مغایرت دارد و میتواند موجب تضییع حقوق معاون شود. (محمد آشوری، ۱۳۸۴-۱۳۸۵).

به نظر میرسد در برخی موارد، قانون‌گذار از قواعد برسمیت شناخته شده‌ی مربوط به معاونت در جرم عدول کرده و در برخی موارد احکامی در مورد معاونت وضع کرده است که با قواعد کلی حقوق کیفری سازگاری ندارند. این موارد را میتوان در وضع قواعد مربوط به عدم تاثیر وضعیت مباشر بر معاون (ماده‌ی ۴۴ قانون مجازات اسلامی) یا معاونت تلقی کردن عمل موخر بر وقوع جرم (ماده‌ی ۱ قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را منتقل می‌کنند) یا جرم تلقی کردن برخی از مصادیق معاونت

به‌عنوان جرم مستقل یا عدم استعمال الفاظ و عبارات صحیح از طرف مقنن (ماده‌ی ۴۳ در مورد وحدت قصد بین معاون و مباشر) مشخص نبودن وضعیت مجازات معاون در برخی موارد (مجازات اعدام) و نظایر آن ملاحظه نمود. عدول قانون‌گذار از قواعد عمومی وضع شده بوسیله‌ی خود یا مورد قبول جامعه‌ی حقوقی امری ناپسند تلقی می‌شود و عدم دقت قانون‌گذار در استعمال الفاظ قانونی ناپسندتر است. نتیجه‌ی این بی‌اعتنائی قانون‌گذار به قواعد عمومی مسلم چیزی جز ایجاد تشتت‌آرا در رویه‌ی قضایی نیست و نتیجه‌ی این تشتت می‌تواند تضرر جامعه‌ی طرفین دعوی باشد. تقلید نادرست قانون‌گذار از حقوق فرانسه و عدم دقت در انطباق یا عدم انطباق مقررات مقتبس از حقوق خارجی (فرانسه) با اصول کلی، که آن‌ها هم عمدتاً از حقوق فرانسه اقتباس شده‌اند عیب دیگر قانون‌گذار ما است. برای مثال، علی‌رغم آنکه ماده‌ی ۴۴ فعلی قانون مجازات اسلامی از سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون مجازات عمومی وارد قوانین جزایی ما شده است و می‌بایست در طول بیش از ۸۰ سال مورد نقد و بررسی اساسی قرار می‌گرفت و ایراد آن به قانون‌گذار گوشزد می‌شد، هنوز هم به کیفیت فعلی باقی مانده است و در همه‌ی مراحل زمانی مختلفی که قانون‌گذار در مقررات جزایی تغییراتی ایجاد نموده، ماده‌ی مزبور همان شکل سنتی خودش را حفظ کرده است.

آزادی یکی از ارزش‌های بنیادی و حقوق بشر است که به هر فرد حق می‌دهد تا بدون هرگونه محدودیت و تبعیض، به طور کامل از قدرت اراده و انتخاب خود استفاده کند. آزادی شامل حقوق و آزادی‌های مختلفی است که شامل آزادی بیان، آزادی دینی، آزادی انتخاب شغل، آزادی تجمع و انتشار اطلاعات می‌شود. آزادی به معنای عدم وجود هرگونه اجبار، سلب حقوق و تبعیض است. هر فرد باید بتواند بر اساس قانون و اصول عدالت، به طور کامل از حقوق و آزادی‌های خود استفاده کند و در عین حال، حقوق و آزادی دیگران را نیز رعایت کند. امروزه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف و از جمله قوانین کشورمان به طرق گوناگون از این حقوق بنیادین بشری حمایت می‌کنند و تضمیناتی نیز برای حفظ و رعایت آن قابل شده‌اند. جرایم بازداشت غیر قانونی و آدم ربایی از جمله موارد تعرض به حق آزادی رفت و آمد اشخاص می‌باشند که قانونگذار ایرانی نیز از همان اوان شکلگیری عدالت کیفری دولتی (در قالب اولین قانون ماهوی جزایی: قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴).

آدم ربایی، از دو اصطلاح مستقل «آدم» و «ربایش» تشکیل شده است. در لغت، «آدم»، به معنای «انسان، مردم» (عمید ۱۳۸۹). در اصطلاح «آدم ربایی»، ربایش هر انسان با هر قصدی چه به صورت عنف و چه غیر از آن را گویند (البلعکی، ۲۰۰۲). جرم آدم ربایی موضوع ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی: ماده‌ی مزبور مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم میگردد. تبصره- مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.» ماده‌ی مزبور با توجه به ماده‌ی ۷۸۳ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۸/۳/۵) نسخ قوانین قبلی و از جمله طرح قانونی تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵ و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز اعلام کرده است: «با توجه به ق.م.ا که نتایج و آثار ناشی از ربودن اشخاص مثل صدمات پیش بینی شده در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص و یا جرایم دیگر مثل لواط و هتک ناموس و غیره مشمول ق.م.ا است و توجهاً به ماده‌ی ۶۲۱ قانون اخیرالتصویب با کلیتی که دارد، بالاخص قسمت اخیر آن که مواد مذکور در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص را در بر میگیرد، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ منسوخ است. ماده‌ی ۶۲۱ ق.م.ا در خصوص مجازات حبس اشد است.» (معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۴، ص ۴۲۷). از نظر شرعی فقها در مورد بحث ربایش، انسان نظراتی را ارائه کرده اند که در واقع، ذیل بحث سرقت بررسی میشود. آنها بیان میدارند که ربودن یک انسان آزاد با هر سنی سرقت نیست. شهید اول، بیان کرده است: «کسی که انسان آزادی را بدزدد اگرچه آن انسان صغیر باشد حد قطع ندارد» (امینی و آیتی، ۱۳۹۴). در ادامه، شهید ثانی دلیل آن را

بیان کرده و فرموده است: «زیرا انسان آزاد، مال محسوب نمی شود (امینی و آیتی، ۱۳۹۴) فقها در مورد فوق اتفاق نظر دارند اما از این جهت که انسانی که ربوده میشود مجنون یا عبد نابالغی بوده نظرات شان متفاوت است (جعفرپور، ۱۳۸۸)؛ «اگر کسی عبد نابالغ یا مجنون را بدزد، دستش قطع میشود؛ زیرا عبد نابالغ و مجنون مال محسوب میشوند و امکان سرقت آنها وجود دارد؛ اما اگر کبیر و عاقل باشد دست رباینده قطع نمی شود زیرا، سرقت آنها امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را بر باید سرقت محسوب نمیشود بلکه غصب است مگر اینکه مجنی علیه خواب در این صورت دست سارق قطع میشود؛ زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد.» نظریه ذکر شده تأیید کننده این مهم است که در اجرای سرقت مستوجب حد تنها مال باید ربوده شود؛ پس، میان حالت‌های فوق نباید فرق گذاشت؛ چون عنوان انسان در هر سن و در هر شرایطی مثلاً چه خواب باشد و چه نباشد) بر وی صدق میکند و از این جهت این تفکیک قابل نقد است (جعفرپور، ۱۳۸۸). **جرم آدم ربایی** جزء «جرائم علیه اشخاص است و بزه ای است که سبب سلب آزادی تن در انسانها میشود؛ بنابراین لازم است تا نهادهای حاکمیتی در یک جامعه به مبارزه با این بزه بپردازند که در قدم نخست، لازم است آن را جرم انگاری کنند. این بزه خصوصاً زمانی که به صورت عنف محقق می شود سبب خدشه دار شدن کرامت و حیثیت اشخاص می شود اهمیت مورد اخیر تا حدی است که مقنن در ذیل ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به رعایت آن توسط مقامات مربوطه پرداخته است. بدیهی است که عرف اقدام سایرین علیه آزادی جسمانی، حیثیت و کرامت خویش را امری زشت دانسته و مرتکبان آن را سرزنش میکند؛ اهمیت و ربط ماده مذکور با اصلاحات بعدی را می توان این گونه بیان کرد که قانون گذار در مقام تقنین به کرامت حیثیت و آزادی اشخاص که حقوق ذاتی و طبیعی آنها به شمار می روند توجه ویژه ای داشته است، بنابراین ماده ۴ قانون مذکور را می توان مستمسکی جهت تفکیک جرم آدم ربایی از سایر اقدامات قانونی قرار داد. بزه آدم ربایی به دلیل اهمیت آن در نظامهای کیفری که در زمره جرائم کیفری قرار دارد، توسط غالب قانون گذاران کشورهای مختلف مورد جرم انگاری قرار گرفته است نظام کیفری ایران نیز از این امر مستثنا نبوده و شاهد آنیم که وفق کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، عنصر قانونی این بزه ماده (۶۲۱) بود؛ در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، رکن قانونی بزه آدم ربایی با تغییراتی روبه رو شد. با عنایت به ماده ۶۲۱ قانون مذکور و اصلاحیه آن در قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری، عنصر قانونی این جرم به این صورت است: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد، به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج محکوم خواهد شد. مصوب ۱۳۷۵ پیش بینی متشکله جرم آدم ربایی، تبیین و سپس تمایز این جرم با جرائم مشابه مذکور، تشریح شده است. همانطور که اشاره شد جرم آدم ربایی در ماده ۶۲۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) شده است که در بردارنده عنصر قانونی این جرم است به موجب این ماده رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم آدم ربایی را برخی از حقوقدانان تنها فعل مثبت ربودن قلمداد کرده اند و بیان داشته اند که ربودن از طریق ترک فعل ارتکاب نمی یابد ربودن مستلزم استیلا یافتن بر انسان و جابه جایی وی از محلی به محل دیگر از طرق مختلفی از قبیل، زور تهدید یا حيله بدون رضایت قربانی است خواه که این ربودن به طور پنهانی باشد خواه به طور علنی میر محمد صادقی (۱۳۹۹). در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان رفتار مرتکب در ماده ۶۲۱ مذکور را دارای دو مصداق میدانند که عبارت است از ربودن و مخفی نمودن قربانی (آقای نی، ۱۳۹۹). به نظر نگارندگان نیز رفتار فیزیکی برای تحقق جرم آدم ربایی با توجه به صراحت منطوق ماده مزبور و استفاده قانون گذار از حرف یا هم ربودن و هم مخفی کردن است که مرتکب با انجام هر یک از آنها با تحقق سایر شرایط در ماده ۶۲۱ به ارتکاب جرم آدم ربایی مبادرت کرده است. در بررسی مبانی بزه آدم ربایی در میان فقها در بحث ربایش انسان اختلاف نظر وجود دارد که برخی با مقوله ربایش در بحث آدم ربایی آن را مورد خدشه قرار داده و به دلیل عدم صدق عنوان «مال» ربایش را ممکن نمیداند و در مقابل برخی آن را غصب میپندارند اما فارغ از اختلاف نظر در مبانی شرعی، توجه به مبانی عرفی این بزه و تفسیر گزاره های قانونی در محیط عرف میتواند به رد سیاست کیفری در مسیر اجرای عدالت کمک شایانی نمایند.

از آنجا که بزه آدم ربایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به طور مفصل به حق آزادی افراد از منظر آموزه های دینی و بین المللی پرداخته شد؛ بنابراین نظام جزایی ایران با تبعیت از سیاست جنایی اسلام، این نوع از رفتار را مورد جرم انگاری و از زمره جرایم علیه اشخاص قرار داده است و گرچه قانون گذاری در خصوص این رفتار سیر تقنینی پر فراز و نشیبی داشته و حتی تغییرات مواد قانونی این بزه در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری محسوس است لکن اهتمام قانون گذار به آزادی افراد و تبعیت از اصول بیست و دوم، سی و دوم و سی و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بی شک ستودنی است.

نتیجه گیری

بررسی معاونت در جرم و آدم ربایی در حقوق جزا نشان می دهد که معاونت به عنوان یک عامل مهم در ارتکاب این جنایت مطرح است. در این مقاله، نقش معاونت در جرم و آدم ربایی مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج نشان می دهد که این عامل می تواند تأثیر قابل توجهی در ارتکاب جرم داشته باشد. با توجه به مطالعات انجام شده، به نظر می رسد که تشدید قوانین و مقررات مربوط به معاونت در جرم و آدم ربایی ضروری است. برای افزایش اثربخشی قانون، باید تنظیمات مربوط به معاونت در جرم و آدم ربایی بهبود یابد و تدابیر مناسبی برای پیشگیری از این نوع جرم در نظر گرفته شود. علاوه بر این، ضروری است که آموزش و آگاهی بخشی درباره خطرات و عواقب معاونت در جرم و آدم ربایی به جامعه عمومی، نهادهای قضایی و عوامل اجرایی ارائه شود. افزایش آگاهی عمومی و شناخت بهتر از این جنایت می تواند به پیشگیری از آن کمک کند و متخلفان را از ارتکاب آن منع کند. در نتیجه، برای مقابله با معاونت در جرم و آدم ربایی، نیازمند تدابیر قانونی و آموزشی مناسب هستیم. اصلاح قوانین و مقررات، افزایش آگاهی عمومی و ارتقای نظارت و اجرای قانون می تواند در کاهش و پیشگیری از این جرم مؤثر باشد.

منابع

- پاد، دکتر ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ سوم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲)
- علی آبادی، دکتر عبدالحسین، حقوق جنائی، جلد اول (تهران: انتشارات فردوسی، چاپ اول ۱۳۶۷).
- سمیعی، دکتر حسن، حقوق جزا (تهران: انتشارات خودکار و ایران، ۱۳۱۸)
- پاد، دکتر ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ سوم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲)
- حمیدی، منوچهر، معاونت در جرم، رساله برای دریافت درجه دکتری در حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بی تا.
- خرازی، محمد، معاونت در جرم در قانون جزای ایران و مقایسه اجمالی آن با قانون جزای فرانسه، پایان نامه فوق لیسانس حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۵۴-۱۳۵۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد، معمای مجازات معاون جرم در قانون مجازات اسلامی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۰.
- رحیمی، عباس، معاونت در جرم، پایان نامه فوق لیسانس حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۰.
- رضوانی، ناصر، معاونت در جرم در قانون مجازات اسلامی و مقایسه اجمالی آن با حقوق آمریکا، پایان نامه فوق لیسانس حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۷۸.
- آزمایش، دکتر علی، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، دوره ی کلاسهای آزاد، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- آقای، نیا، حسین، ۱۳۹۹ جرایم علیه اشخاص شخصیت، معنوی جلد اول، چاپ دهم تهران انتشارات میزان.
- جعفرپور، جمشید، ۱۳۸۸، بررسی جرم آدم ربایی در فقه و حقوق موضوعه با رویکردی به نظر حضرت امام

خمینی (س)، فصلنامه متین، شماره ۴۲

محمد اسماعیل ۱۳۸۳، جرم آدم ربایی در حقوق ایران، مجله دادرسی، شماره ۴۳ تهران انتشارات سمت.

معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ، معین جلد اول، آدنا، چاپ چهارم، تهران

کروشاوی، طاهر؛ نشان، خسرو؛ گنجی، محمدحسین، ۱۳۹۸ تحلیل جرم آدم ربایی در فقه اسلامی و حقوق

کیفری ایران نشریه دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۱.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲